



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۴۰-۴۲۷

## عوامل مؤثر بر رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان شهر ایرانشهر با

### استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده

نرجس اربابی<sup>۱</sup>، مجتبی صادقی بهابادی<sup>۲</sup>

۱- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، مدیر دبیرستان شبانه روزی دخترانه دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران

[arbabi.narges@gmail.com](mailto:arbabi.narges@gmail.com)

۲- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

#### چکیده

هدف از این مطالعه بررسی رفتار مصرف مواد غذایی ارگانیک دانش آموزان بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بود. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایرانشهر تشکیل می‌دهند که نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و متغیرهای مستقل نگرش، هنجارذهنی، کنترل رفتاری درک شده و عوامل محیطی و همچنین متغیر وابسته رفتار مصرف مواد غذایی ارگانیک را اندازه‌گیری می‌کرد، جمع‌آوری شد. پایایی و روایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی تاییدی و داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که نگرش، هنجارذهنی، کنترل رفتاری درک شده و عوامل محیطی تأثیر مثبت و معناداری بر رفتار مصرف مواد غذایی ارگانیک داشته و حدود ۶۰ درصد از واریانس رفتار را تبیین نموده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دانش آموزان ایرانشهری از آگاهی و دیدگاه مطلوبی نسبت به مصرف مواد غذایی ارگانیک برخوردارند و در صورت مساعد بودن شرایط، تمایل به مصرف مواد غذایی ارگانیک دارند.

**کلمات کلیدی:** غذای ارگانیک، رفتار مصرف، مدل رفتار برنامه‌ریزی شده، دانش آموزان، ایرانشهر.



## مقدمه

ایران یکی از کشورهایی است که بخش کشاورزی آن به شدت به مصرف نهاده های شیمیایی وابسته است (Najafabadi et al., 2022). بنابراین نیاز به تولید محصولات سالم برای مصرف داخلی و همچنین صادرات از اهمیت بالایی برخوردار است. غذاهای ارگانیک محصولاتی هستند که بدون استفاده از آفت کش های مصنوعی، کودها، هورمون ها، آنتی بیوتیک ها، ارگانسم های اصلاح شده ژنتیکی یا پرتو دهی تولید می شوند. غذاهای ارگانیک به طور گسترده ای سالم تر، ایمن تر و سازگارتر با محیط زیست نسبت به غذاهای معمولی تلقی می شوند. به طور کلی انتظار می رود که تغییر از کشاورزی متعارف به کشاورزی ارگانیک باعث حفاظت از سلامت انسان و محیط زیست شود. با این حال، گذار به کشاورزی ارگانیک پیچیده و مشکل ساز است و نیاز به ادغام با تمام اقشار جامعه به علت ارتباط مستقیم با رفتار مصرف کنندگان در خرید غذاهای ارگانیک دارد (کوهستانی و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از اقشار مهم مصرف کنندگان که می تواند بر تقاضا و عرضه مواد غذایی ارگانیک تأثیر بگذارد، اقشار محصل هستند. دانش آموزان به عنوان مصرف کنندگان جوان و آگاه اجتماعی قلمداد می شوند که پتانسیل اتخاذ و ترویج سبک زندگی پایدار و سالم را دارند (Setiawati et al, 2018). دانش آموزان همچنین نیازها و ترجیحات خاصی در مورد مصرف مواد غذایی خود دارند، مانند راحتی، مقرون به صرفه بودن، تنوع و کیفیت. بنابراین شناخت عواملی که بر تمایل دانش آموزان به مصرف غذاهای ارگانیک تأثیر می گذارد می تواند به تولیدکنندگان، بازاریابان، مربیان و سیاست گذاران در طراحی و اجرای استراتژی های موثر برای افزایش مصرف و تولید غذاهای ارگانیک کمک کند. به طور کلی در دستیابی به این گذار، پذیرش کشاورزی ارگانیک توسط قشر دانش آموز و دانشجو بسیار مهم است و مشوق های دولتی می توانند به انجام این تغییر کمک کنند (Nunez et al., 2014). با این حال، غذاهای ارگانیک نیز نسبت به غذاهای معمولی گران تر، کمیاب تر و تنوع کمتری دارند. بنابراین، مصرف کنندگان به ویژه جوانان محصل هنگام انتخاب مواد غذایی خود با یک مبادله بین مزایا و هزینه های غذاهای ارگانیک مواجه می شوند (Yazdanpanah & Forouzani, 2015). برخی محققین استدلال کردند که در بازاریابی، تحلیل رفتار مصرف کننده در درجه اول با ترجیحات و چگونگی شکل گیری این ترجیحات در ذهن مصرف کننده سروکار دارد. در مورد غذاهای ارگانیک، تصمیمات خرید مصرف کننده بر اساس تجربیات و ادراک ذهنی از آن غذاها است (Prathansong & Kananurak, 2023; Aguirre Sánchez et al., 2021).

حداقل در سه دهه گذشته، روانشناسان اجتماعی مدل هایی را برای درک و پیش بینی رفتار انسان ایجاد کرده اند. آنها آنها را به عنوان مدل های ارزش انتظار، که محبوب ترین پارادایم های طراحی شده برای پیش بینی و درک رفتار انسان هستند، نامگذاری کرده اند. از بسیاری از نظریه های روانشناسی فعلی برای توضیح سلامت و رفتارهای طرفدار محیطی مانند مدل فعال سازی هنجار (شوارتز، ۱۹۷۷)، نظریه حفاظت از انگیزه (راجرز، ۱۹۸۳)، مدل اعتقاد

بهداشتی (رزنتاک، ۱۹۷۴)، مدل شناختی اجتماعی (بندورا، ۱۹۸۶) یا نظریه عمل مستدل (آیزن و فیشبین، ۱۹۸۰) بر اساس نظری‌های برنامه ریزی شده بکار برده شده است (Yazdanpanah & Forouzani, 2015).

در این بین تئوری رفتار برنامه ریزی شده (TPB) یک مدل شناختی اجتماعی مهم است که هدف آن توضیح رفتار ارادی انسان است که به زعم بسیاری از محققین در انجام این کار موفق بوده است. از سوی دیگر تئوری رفتار برنامه ریزی شده یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در روانشناسی سلامت و همچنین رفتارهای دوستدار محیط زیست شناخته شده است (Setiawati et al, 2018). علاوه بر این، برخلاف تصور قدیمی‌تر که بیشتر رشد عصبی قبل از ورود کودک به مدرسه تکمیل می‌شود، تحقیقات جدید نشان داده است که مهارت‌های شناختی درجه بالاتری را می‌توان با تعامل با محیط در اوایل نوجوانی توسعه داد (Yazdanpanah & Forouzani, 2015). در حالی که، تعداد زیادی از بزرگسالان جزء فعالان محیط زیست نمی‌شوند، تحقیقات نشان می‌دهد که افراد جوان‌تر احتمالاً تغییرات رفتاری دوستدار محیط زیست را بیشتر می‌پذیرند (Nunez et al., 2014).

همچنین از این تئوری در تشریح درک قصد و رفتار مخاطبان در انتخاب رژیم غذایی و انتخاب غذا نیز استفاده شده است. تئوری رفتار برنامه ریزی شده فرض می‌کند که رفتار به عنوان یک مفهوم باید شامل هر دو جنبه ارادی و غیر ارادی باشد (Sobhani et al, 2018). بنابراین، طبق این نظریه، افرادی که نگرش مثبتی نسبت به مواد غذایی ارگانیک دارند، معتقدند که حمایت هنجاری برای استفاده از این غذا وجود دارد و احساس می‌کنند که استفاده از آن برای آنها آسان است، باید نیت قوی برای انجام این رفتار داشته باشند. (Yazdanpanah & Forouzani, 2015).

به ویژه در استان‌های کمتر برخوردار همچون استان سیستان و بلوچستان، سو تغذیه و نا امنی غذایی دو مسئله جدی و مهم در بین دانش آموزان هستند که بر رشد و توسعه فیزیکی، روانی و اجتماعی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارند. سو تغذیه به معنای عدم دریافت کافی و متعادل از مواد غذایی ضروری برای حفظ سلامت است. همچنین نا امنی غذایی به معنای عدم دسترسی به کفایت غذایی به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. هر دو این مسائل باعث کاهش کارایی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان می‌شوند (خمیری و معمیری، ۱۳۹۷؛ صبحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۶).

در این رابطه بسیاری از مطالعات تلاش کرده اند اهمیت نسبی نگرانی‌های زیست محیطی را با مقایسه کشاورزی ارگانیک با کشاورزی معمولی اندازه‌گیری کنند. با این حال، نگرانی‌هایی وجود دارد که عواملی که مصرف کنندگان را به خرید غذاهای ارگانیک ترغیب می‌کند به درستی شناخته نشده است (Yazdanpanah & Forouzani, 2015).

به طور مثال کوهستانی و همکاران (۱۳۹۳) با هدف بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه کشاورزی ارگانیک در استان سیستان و بلوچستان بیان می‌کنند که مؤلفه‌های مالی - حمایتی، زیرساختی، زیست - محیطی و فرهنگی مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه کشاورزی ارگانیک بوده‌اند. در این رابطه بوزرجمهری و همکاران

(۱۳۹۷) نیز محدودیت‌های بازاریابی محصولات ارگانیک در استان سیستان و بلوچستان را به ترتیب سه مؤلفه موانع سیاست‌گذاری، موانع زیرساختی و موانع طبیعی می‌دانند. همچنین پیامدهای منفی ناشی از مصرف مواد غذایی صنعتی و شیمیایی سبب شده‌اند که در عصر حاضر گرایش به محصولات ارگانیک افزایش یابد.

در بررسی نیت رفتاری دانشجویان پیرامون خرید مواد غذایی ارگانیک محققینی همچون یزدان‌پناه و فروزانی (۲۰۱۵)، با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB) اذعان می‌دارند که نگرش دانشجویان پیش‌بینی‌کننده اصلی تمایل آنها به خرید غذاهای ارگانیک بوده است. جالب اینجاست که این تحقیق نشان داد که هم کنترل رفتاری درک شده و هم هنجارهای ذهنی پیش‌بینی‌کننده معنادار قصد نیستند. سبحانی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با هدف توسعه مدلی نظام‌مند در جهت ارزیابی تمایل دانشجویان به خرید غذاهای ارگانیک از طریق رهیافت تئوری رفتار برنامه‌ریزی بیان می‌کنند که تمایل به خرید غذای ارگانیک در میان دانشجویان در حد مطلوب قرار دارد. همچنین در میان مؤلفه‌های مدل توسعه یافته، دو مؤلفه اضافه شده شامل نگرش اخلاقی و انگیزه سلامت اثر مستقیم و معنی‌داری را بر تمایل به خرید غذای ارگانیک توسط دانشجویان داشته‌اند. همچنین نگرانی‌های محیط زیستی با اثر بر متغیر میانجی نگرش به صورت غیرمستقیم بر تمایل به خرید دانشجویان اثر گذاشته است.

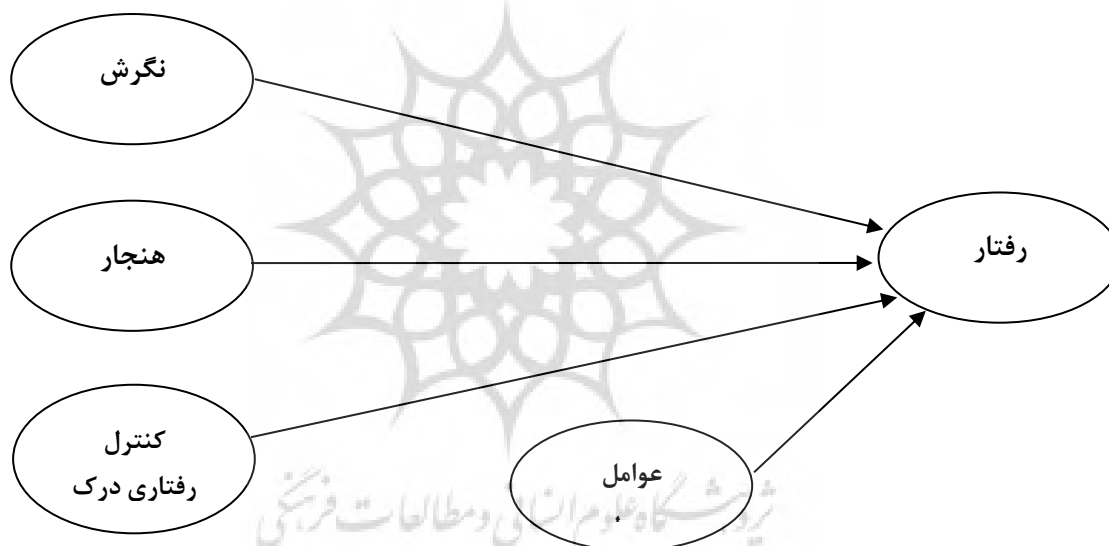
در مطالعات خارجی نیز آگیره سانچز و همکاران (۲۰۲۱) با مطالعه سیستماتیک که عوامل مؤثر بر رفتار مصرف‌کننده غذای پایدار در بین دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که عوامل شخصی، اجتماعی و محیطی بر رفتار مصرف‌کننده غذای پایدار دانشجویان تأثیر دارند. از سوی دیگر پراتان سونگ و کانانوراک (۲۰۲۳) در تحقیقات خود بیان می‌دارند که همبستگی مستقیمی را بین نگرش، دلیل و قصد خرید مواد غذایی ارگانیک در بانکوک وجود دارد. همچنین آنان معتقدند که نتایج اینگونه تحقیقات، پیامدهای مهمی برای بازاریابان و تصمیم‌گیرندگان با استفاده از داده‌های تحقیق دارد که می‌توان از آن برای برنامه‌ریزی موفقیت‌آمیز و تناسب تولید و توزیع محصولات کشاورزی ارگانیک برای پاسخگویی به خواسته‌های بیشتر مصرف‌کنندگان استفاده کرد.

علی و همکاران (۲۰۲۱) در تحلیل رفتار خرید غذای ارگانیک در بین دانشجویان چینی به روش مدلسازی معادلات ساختاری به این یافته اشاره دارند که رفتار خرید غذای ارگانیک به طور مثبت با آگاهی به سلامت و به طور منفی با سیاست قیمت‌گذاری مرتبط است، در حالی که نگرش شخصی و اعتماد مصرف‌کننده رابط‌های قابل توجه با رفتار خرید ندارند. مطالعات کشور کانادا نیز توسط هامیلتون و حکمت (۲۰۱۸) در تعیین الگوی مصرف غذای ارگانیک در بین دانشجویان، عوامل شخصی و محیطی را موثرترین رکن بر مصرف غذای ارگانیک دانشجویان می‌دانند. نونیز و همکاران (۲۰۱۴) تأثیر آموزش رسمی بر ادراک دانش‌آموزان از محصولات ارگانیک را در چهار کشور مختلف ارزیابی کرده است. این مطالعه با بررسی دانش‌آموزان را در برزیل، چین، ایتالیا و آمریکا نشان داده

است که آموزش رسمی می‌تواند به بهبود ادراک دانش‌آموزان از محصولات ارگانیک کمک کند و تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی نقش مهمی در شکل‌گیری این ادراک دارند.

بر اساس ادبیات و پیشینه پژوهشی که مرور شد، فرضیات این تحقیق بر اساس مدل رفتار برنامه ریزی شده ارائه گردیده‌اند. این مدل فرض می‌کند که رفتار یک فرد تحت تأثیر نگرش، هنجار ذهنی، کنترل ادراک شده و سایر عوامل محیطی موثر بر رفتار آن فرد قرار دارد. بنابراین، فرضیات این تحقیق عبارتند از:

- فرضیه ۱: نگرش دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری با رفتار مصرف‌کننده ارگانیک آنان دارد.
- فرضیه ۲: هنجار ذهنی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری با رفتار مصرف‌کننده ارگانیک آنان دارد.
- فرضیه ۳: ادراک کنترل رفتاری دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری با رفتار مصرف‌کننده ارگانیک آنان دارد.
- فرضیه ۴: عوامل محیطی رابطه مثبت و معناداری با رفتار مصرف‌کننده ارگانیک دانش‌آموزان دارند.



نگاره ۱- مدل نظری پژوهش

استان سیستان و بلوچستان، یکی از مناطق محروم و نیازمند کشور است که همواره با مسائلی از قبیل فقر، بیکاری، درگیری‌های مرزی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، معیشتی مواجه بوده است (نبی زاده سرابندی، ۱۳۸۴؛ خمیری و معمیری، ۱۳۹۷؛ صبحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). این استان به دلیل ویژگی‌های جمعیتی، فرهنگی و جغرافیایی خود، در شرایط بحرانی قرار داشته و با چالش‌های فراوانی مواجه است (حیدرزادگان و صندوقداران، ۱۳۹۶). بر اساس آمارهای موجود، نرخ نامناسبی از کودکان و نوجوانان این استان از تغذیه سالم بی‌نصیب می‌مانند و در نتیجه، این استان از بین‌برنده‌ی بسیاری از فرصت‌های آموزشی است (اسلامی شهربابکی و همکاران، ۱۳۸۵؛ حسین بر و

همکاران، ۱۴۰۰). محدوده انسانی این پژوهش دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایرانشهر به عنوان یکی از محروم‌ترین استان‌های ایران بود. این گروه خاص به این دلیل انتخاب شد که در مقایسه با جمعیت عمومی، تجربه و آشنایی بیشتری نسبت به غذاهای ارگانیک و همچنین باقیمانده‌های شیمیایی موجود در غذاهای سنتی کشاورزی و همچنین اثرات مضر آنها بر سلامتی دارند. این افراد همچنین از طریق درس‌ها و برنامه‌های آموزشی مدارس، گشت و گذار در اینترنت و یادگیری از معلمان و همسالان خود در مورد این موضوع آگاهی بیشتری نسبت به عموم جامعه کسب نموده‌اند. علاوه بر این، دانش‌آموزان جوان مصرف‌کنندگان آینده هستند و بنابراین قادر به ایجاد تغییر در دهه‌های آینده هستند. آنها در مرحله نهایی شکل‌گیری هویت خود و توسعه یک سیستم شخصی از باورها و ارزش‌ها هستند. این قشر به احتمال زیاد با افزایش سن عادات خود را با خود خواهند برد، که این امر به سیاستگذاران امکانات فراوانی برای ایجاد عادات مصرف مواد غذایی ارگانیک در جمعیت شهرستان می‌دهد. بنابراین، این مطالعه به منظور ارائه داده‌های تجربی بسیار ضروری در مورد رفتار مصرف‌کنندگان دانش‌آموزان در مورد استفاده از غذاهای ارگانیک انجام پذیرفت. به طور خاص، این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال که کدام یک از عوامل پیرامونی و داخلی می‌تواند به طور قابل توجهی بر رفتار مصرف‌کنندگان دانش‌آموزان شهرستان ایرانشهر تأثیر بگذارد.

### روش تحقیق

هدف این مطالعه توصیفی، بررسی عوامل مؤثر بر رفتار مصرف‌کنندگان غذای ارگانیک در بین دانش‌آموزان شهر ایرانشهر با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده بود. روش تحقیق این مطالعه دارای رویکرد کمی است. جامعه آماری این تحقیق تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم شهرستان ایرانشهر در نظر گرفته شد. براساس آخرین آمار منتشر شده، جمعیت دانش‌آموزان شهرستان ایرانشهر ۴۰۱۱ نفر پسر و ۴۳۵۶ نفر دختر دوره متوسطه اول و همچنین ۶۲۲۷ نفر پسر و ۵۸۶۰ نفر دختر دوره متوسطه دوم مشغول به تحصیل هستند. به منظور نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۵ نفر برای این مطالعه برآورد گردید. لازم به ذکر است در چند دوره توسط اداره آموزش و پرورش برنامه‌های آموزشی و عملیاتی برای دانش‌آموزان با مضمون غذاهای سالم و ارگانیک اجرا شده است. این تحقیق دانش‌آموزان مدارس را انتخاب نموده است که با طرح‌های اجرا شده در زمینه‌های کشاورزی ارگانیک در قالب طرح "از مزرعه تا سفره" و طرح "مزرعه تابستانی من" آشنایی نسبی دارند. در این برنامه‌ها دانش‌آموزان با همکاری مسئولین مدرسه در باغچه‌های مدرسه و خوابگاه‌ها به پرورش سبزیجات ارگانیک اقدام نموده‌اند و در برخی از مدارس نیز محصولاتشان در جشنواره‌ها ارائه شده‌اند. به منظور گردآوری داده، از پرسشنامه محقق‌ساخت بهره‌گرفته شد که متغیرهای آن شامل سوالاتی در مورد اطلاعات جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، سطح تحصیلات و غیره)، نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک شده و

عوامل محیطی تاثیر گذار بر مصرف غذای ارگانیک است. پرسشنامه همچنین شامل سوالاتی برای سنجش متغیر وابسته رفتار استفاده از مواد غذای ارگانیک بود که بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه ای (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف، کاملاً مخالف) از دانش آموزان خواسته شده بود که نظر خود را درباره مصرف غذای ارگانیک بیان کنند. به منظور تعیین پایایی ابزار سنجش از ضرائب آماری آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که حد مطلوب را برای مولفه های مورد مطالعه نشان داد. روایی محتوی پرسشنامه نیز توسط تعدادی از صاحب نظران حوزه علوم تربیتی، کشاورزی و مدیران مدارس آموزش و پرورش تایید گردد و در قسمت مدلسازی معادلات ساختاری روایی واگرا برازش گردید. همچنین تجزیه و تحلیل داده با روش های آمار توصیفی و استنباطی در نرم افزارهای SPSS و SmartPLS انجام شد.

### یافته ها

بر اساس نتایج توصیفی میانگین سن دانش آموزان مورد مطالعه ۱۵/۲۱ سال بوده است. همچنین میانگین مولفه های تحقیق شامل نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، عوامل محیطی و رفتار مصرف غذای ارگانیک به ترتیب ۴/۰۲، ۳/۷۷، ۲/۲۱، ۲/۳۳ و ۳/۵۶ از ۵ نمره بوده است. همچنین جدول ۱ توزیع فراوانی سایر مشخصات پاسخگویان را نشان می دهد:

جدول ۱- مشخصات توصیفی پاسخگویان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
جنسیت	دختر	۱۸۸	۵۲/۲
	پسر	۱۷۲	۴۷/۸
محل سکونت	شهر	۲۱۲	۵۸/۹
	روستا	۱۴۱	۳۹/۲
	بی پاسخ	۷	۱/۹
مقطع تحصیلی	متوسطه اول	۱۶۹	۴۷
	متوسطه دوم	۱۹۱	۵۳
تصرف در جشنواره	بلی	۲۱۷	۶۰/۳
	خیر	۱۱۵	۳۱/۹
	بی پاسخ	۲۸	۷/۸
مجموع		۳۶۰	۱۰۰

در این تحقیق، از مدل رفتار برنامه ریزی شده برای بررسی عوامل مؤثر بر رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان شهر ایرانشهر استفاده شده است. این مدل شامل سه مولفه اصلی نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری

درک شده و عوامل محیطی است که بر رفتار فرد تأثیر می گذارند. جدول ۲ نتایج ارزیابی مدل اندازه گیری، به همراه میزان بار عاملی هر گویه و شاخص های روایی و پایایی آن را نشان می دهد.

جدول ۲- نتایج ارزیابی مدل اندازه گیری

بار عاملی	گویه	Alpha (α)	CR	AVE	منطقه
۰/۹۷۳	غذای ارگانیک سالم تر از غذای غیرارگانیک است.	۰/۸۴۴	۰/۹۲۶	۰/۶۸۱	تغذیه
۰/۸۷۴	غذای ارگانیک خوشمزه تر از غذای غیرارگانیک است.				
۰/۸۱۷	غذای ارگانیک کیفیت بالاتری نسبت به غذای غیرارگانیک دارد.				
۰/۸۷۷	غذای ارگانیک دوستدار محیط زیست است.				
۰/۷۲۲	غذای ارگانیک حمایت از کشاورزان و دامپروران منطقه را بدنبال دارد.				
۰/۶۴۷	غذای ارگانیک به بهبود سلامت جامعه کمک می کند.				
۰/۷۱۲	خانواده من تمایل دارند که من غذای ارگانیک بخورم.	۰/۹۲۱	۰/۸۵۴	۰/۵۴۶	هیچکدام
۰/۶۴۳	دوستانم به من مصرف غذای ارگانیک را پیشنهاد می کنند.				
۰/۵۴۹	معلمان و مسئولین مدرسه من را به مصرف غذای ارگانیک ترغیب می کنند.				
۰/۸۱۲	جامعه و رسانه ها مشوق مصرف غذای ارگانیک هستند.				
۰/۹۲۲	من می خواهم با خوردن غذای ارگانیک الگویی برای دیگران باشم.	۰/۷۷۸	۰/۸۱۸	۰/۶۰۳	کنترل رفتاری
۰/۷۴۳	دانش کافی برای تشخیص از غذای ارگانیک را دارم.				
۰/۸۷۶	در استفاده یا عدم استفاده از غذای ارگانیک اجباری ندارم.				
۰/۶۹۹	خانواده من قادر هستند که به راحتی قیمت غذای ارگانیک را پرداخت کنند.	۰/۷۸۵	۰/۸۳۹	۰/۵۶۷	عوامل محیطی
۰/۸۴۱	ما به راحتی می توانیم در فروشگاه ها و بازارهای نزدیک به خانه یا مدرسه غذای ارگانیک پیدا کنیم.				
۰/۷۳۲	تولید غذای ارگانیک با شرایط جغرافیایی و اقلیمی منطقه ما سازگار است.				
۰/۷۴۲	کیفیت غذای ارگانیک قابل تشخیص و تضمین شده است.				
۰/۶۹۰	برچسب ها و نشان های غذای ارگانیک به راحتی قابل خواندن و فهمیدن هستند.	۰/۷۹۲	۰/۸۶۴	۰/۷۶۰	رفتار
۰/۹۱۲	من در حال حاضر غذای ارگانیک استفاده می کنم.				
۰/۸۳۰	من قصد دارم که در آینده مصرف غذای ارگانیک بیشتری داشته باشم.				

به منظور تعیین سطح اطمینان مولفه از روایی واگرا استفاده شد که نشان می دهد چقدر سوالات یک عامل با سوالات سایر عوامل تفاوت دارند. این معیار یکی از معیارهای اصلی برازش مدل های اندازه گیری در روش حداقل مربعات جزئی است و براساس بارهای عاملی مربوط به گویه های هر سازه تعیین می شود. روایی واگرا بر همبستگی پایین سنجه های یک متغیر پنهان با یک متغیر غیر مرتبط با آن (از نظر پژوهشگر) اشاره دارد. این معیار



در روش حداقل مربعات جزئی از دو طریق سنجیده می شود. نتایج روایی با معیار پیه شنهادی فورنل و لارکر در جدول ۳ نشان داد که ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده برای هر مولفه بالاتر از بالاترین همبستگی آن با هر مولفه دیگری است. در خانه های قطر جدول، مقادیر جذر میانگین واریانس هر مولفه به صورت پررنگ و همبستگی بین مولفه و سایر متغیرها در زیر سلول های مورب درج شده است.

**جدول ۳- مقایسه ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده با همبستگی مولفه ها**

مولفه	نگرش	هنجار ذهنی	کنترل رفتاری درک شده	عوامل محیطی	رفتار
نگرش	۰/۸۲۵				
هنجار ذهنی	۰/۳۱۲	۰/۷۳۹			
کنترل رفتاری درک شده	۰/۶۳۰	۰/۱۲۹	۰/۷۷۶		
عوامل محیطی	۰/۰۲۱	۰/۵۸۹	۰/۴۴۴	۰/۷۵۳	
رفتار	۰/۴۴۵	۰/۳۴۰	۰/۲۶۷	۰/۶۴۱	۰/۸۷۲

نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داده که مولفه های نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و عوامل محیطی بر قصد و رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان شهر ایرانشهر تاثیر معنی دار داشته اند. به عبارت دیگر، دانش آموزان که نگرش مثبت تر، هنجار ذهنی قوی تر، کنترل رفتاری درک شده بالاتر و عوامل محیطی مناسب تر داشته باشند، رفتار مصرف غذای ارگانیک بالاتری خواهند داشت. همچنین نتایج حاکی از آن است که عوامل محیطی به عنوان یک پیش بین رفتار عمل کرده است. به طور خلاصه، مدل رفتار برنامه ریزی شده قادر به پاسخگویی به سؤالات پژوهش و تأیید فرضیات پژوهش بوده و خلاصه نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است:

**جدول ۴- نتایج آزمون فرضیات**

فرضیه اثر مورد مطالعه	ضریب (β)	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
H1 نگرش ← رفتار	۰/۵۱۲	۸/۲۴۲	۰/۰۱	پذیرش
H2 هنجار ذهنی ← رفتار	۰/۳۴۱	۵/۶۷۵	۰/۰۱	پذیرش
H3 کنترل رفتاری درک شده ← رفتار	۰/۱۷۲	۲/۷۲۳	۰/۰۱	پذیرش
H4 عوامل محیطی ← رفتار	۰/۲۱۲	۳/۱۲۶	۰/۰۱	پذیرش

بدین ترتیب می توان گفت که نگرش، هنجار ذهنی، کنترل ادراکی درک شده و عوامل محیطی به صورت همزمان رابطه مثبت و معناداری با رفتار مصرف غذای ارگانیک دارند و حدود ۶۰ درصد از تغییرات رفتار را تبیین می کنند ( $R^2=0.60$ ). همچنین آزمون تحلیل عاملی تأیید کننده نشان می دهد که ساختار عاملی پرسشنامه نگرش، نیت و ادراک کنترل رفتاری با داده ها منطبق است.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش نشان می دهد که رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان ایرانشهر تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نگرش، نیت، ادراک کنترل رفتاری و عوامل محیطی قرار دارد. بر اساس مدل رفتار برنامه ریزی شده، نگرش، نیت و ادراک کنترل رفتاری بخش قابل توجهی از تغییرات رفتار مصرف غذای ارگانیک را تبیین می کنند. همچنین عوامل محیطی مانند دسترسی به غذای ارگانیک، قیمت، کیفیت و برچسب زدن نیز رابطه مثبت و معناداری با نگرش و نیت دانش آموزان دارند. بنابراین، می توان گفت که دانش آموزان ایرانشهر نسبت به مصرف غذای ارگانیک نگرش مثبت دارند و قصد دارند در آینده از این نوع غذا استفاده کنند. البته باید توجه داشت که علاوه بر عوامل شخصی، عوامل خارج از کنترل فرد نظیر شرایط بازار و فرهنگ جامعه نیز بر رفتار مصرف غذای ارگانیک تأثیر گذار هستند.

برای ترویج و گسترش رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان، لازم است که علاوه بر افزایش آگاهی و تغییر نگرش آن ها، فرصت ها و منابع لازم برای اجرای چنین رفتاری فراهم شود. به عبارت دیگر، باید هم به سمت تقویت عوامل محرک و هم به سمت کاهش عوامل بازدارنده رفتار مصرف غذای ارگانیک تلاش کرد. در این راستا، نقش سازمان های دولتی و خصوصی، تولید کنندگان و فروشندگان غذای ارگانیک، رسانه ها و مؤسسات آموزشی بسیار حائز اهمیت است. استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطقی است که به دلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی نامساعد، محروم شناخته می شود. در این منطقه، مسائلی مانند فقر، بیکاری، بی سوادگی و مشکلات معیشتی و تغذیه ای از جمله مشکلات اساسی است که بر سر زبان هاست. سو تغذیه و نا امنی غذایی دانش آموزان سیستان و بلوچستان یک چالش جدی است که نیاز به همکاری و همفکری همه ذینفعان دارد. علل این مسئله در سطوح مختلف قابل شناسایی و رفع هستند. پیامدهای این مسئله نیز بر روی سلامت، تحصیل، خلاقیت و خود اعتمادی دانش آموزان و همچنین بر روی رشد و توسعه منطقه و کشور بسیار مخرب خواهد بود. راهکارهای این مسئله در سطوح مختلف نیازمند آن است که دانش آموزان، خانواده ها، جامعه و دولت ضمن تعامل با هم، نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

چالش های این تحقیق عبارتند از محدودیت منابع و زمان، عدم همکاری بعضی از دانش آموزان و معلمان در پاسخ به پرسشنامه، عدم وجود پژوهش های کافی در حوزه مصرف غذای ارگانیک در منطقه سیستان و بلوچستان. کاربردهای این تحقیق عبارتند از: افزایش آگاهی و نگاه علمی به مسئله مصرف غذای ارگانیک، ارائه الگویی برای پژوهش های آتی در این زمینه، ارائه پیشنهادهای برای ترویج و گسترش رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان و سایر گروه های جامعه.

بر اساس نتایج و نتیجه گیری این تحقیق، پیشنهادات زیر را می توان ارائه کرد:

- برای افزایش نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به غذای ارگانیک، لازم است که برنامه های آموزشی و تبلیغاتی مناسب طراحی و اجرا شود. این برنامه ها باید مزایای غذای ارگانیک را در جهت حفظ سلامت فردی، جامعه و محیط زیست به دانش آموزان منتقل کنند. همچنین باید با شکستن باورهای غلط و تصورات منفی درباره غذای ارگانیک مواجه شود. برای مثال، می توان از روش های مختلف مانند پوستر، بروشور، فیلم، بازی، نمایش، گفتگو و مصاحبه استفاده کرد.

- به منظور بهبود وضعیت هنجارهای ذهنی دانش آموزان نسبت به غذای ارگانیک، لازم است که روی عوامل دیگر مثل نظام ارزش ها، الگوها و فشارهای اجتماعی نیز کار کند. این عوامل می توانند باعث شوند که دانش آموزان حس مسئولیت و تعلق به جامعه خود را در قبال مصرف غذای ارگانیک پیدا کنند. برای مثال، می توان با استفاده از روش های مثبت گرایانه مثل تقدیر و تشویق، جوایز و تخفیفات، گواهینامه ها و نشان ها، دانش آموزان را به مصرف غذای ارگانیک تشویق کرد.

- در راستای افزایش کنترل رفتاری درک شده دانش آموزان در مورد مصرف غذای ارگانیک، لازم است که موانع و چالش هایی که در اجرای چنین رفتاری وجود دارد را شناسایی و رفع گردد. این موانع می توانند شامل عدم دسترسی به غذای ارگانیک، قیمت بالا، کیفیت پایین، عدم برچسب زدن و اطلاع رسانی ناکافی باشند. برای مثال، می توان با ایجاد شبکه های توزیع و فروش غذای ارگانیک در فروشگاه های مدارس

- برای افزایش دسترسی به غذای ارگانیک، قیمت، کیفیت و برچسب زدن آن، نیاز است که عوامل محیطی مناسب فراهم شود. این عوامل می توانند شامل افزایش تولید و عرضه غذای ارگانیک در منطقه، ارائه قیمت مناسب و تخفیفات ویژه برای دانش آموزان، افزایش کیفیت و استانداردهای غذای ارگانیک، برچسب زدن و اطلاع رسانی صحیح درباره خصوصیات و مزایای غذای ارگانیک باشند. برای مثال، می توان با همکاری با سازمان های دولتی و خصوصی، تولید کنندگان و فروشندگان غذای ارگانیک، رسانه ها و مؤسسات آموزشی، این عوامل را بهبود داد.

- به منظور ارتقای رفتار مصرف غذای ارگانیک در بین دانش آموزان، لازم است که هم به سمت تقویت عوامل محرک و هم به سمت کاهش عوامل بازدارنده رفتار مصرف غذای ارگانیک تلاش کرد. به عبارت دیگر، باید هم

نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک شده دانش آموزان را به سمت مثبت تغییر داد و هم عوامل محیطی مناسب را برای آن‌ها فراهم کرد. در این راستا، نقش سازمان‌های دولتی و خصوصی، تولیدکنندگان و فروشندگان غذای ارگانیک، رسانه‌ها و مؤسسات آموزشی بسیار حائز اهمیت است.

- برای سنجش و پایش قصد و رفتار مصرف‌کننده غذای ارگانیک در بین دانش‌آموزان، لازم است که از شاخص‌ها و روش‌های مناسب استفاده شود. این شاخص‌ها و روش‌ها می‌توانند شامل پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها، گروه‌های تمرکزی، نظارت بر خوردن دانش‌آموزان در کافتیریا یا سلف سرویس مدارس، جمع‌آوری پسماندهای خوراکی دانش‌آموزان باشند. برای مثال، می‌توان با استفاده از پرسشنامه‌های دوره‌ای، سطح نگرش، نیت و رفتار مصرف‌کننده غذای ارگانیک در بین دانش‌آموزان را سنجید.

- در راستای گسترش تحقیقات در حوزه مصرف‌کننده غذای ارگانیک در منطقه سیستان و بلوچستان، لازم است که از منابع و روش‌های متنوع و معتبر استفاده شود. این منابع و روش‌ها می‌توانند شامل مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی، مطالعات تجربی، مطالعات تطبیقی، مطالعات موردی، مطالعات پدیدارشناسانه، مطالعات عملگرایانه باشند. برای مثال، می‌توان با استفاده از مطالعات تجربی، اثربخشی برنامه‌های آموزشی و ترویجی در زمینه تغذیه‌ای را بر روی دانش‌آموزان بررسی کرد.

- برای انتقال و اشتراک‌گذاری یافته‌ها و نتایج تحقیق در حوزه مصرف‌کننده غذای ارگانیک در منطقه سیستان و بلوچستان، ضروری است که از رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی مناسب استفاده شود. این رسانه‌ها و فناوری‌ها می‌توانند شامل چاپ و نشر مقالات، کتاب‌ها، گزارش‌ها، بروشور‌ها، پوسترها، فیلم‌ها، صداها، نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها، وب‌سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، پادکست‌ها، وبلاگ‌ها باشند. برای مثال، می‌توان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، یافته‌ها و نتایج تحقیق را با دانش‌آموزان و سایر علاقه‌مندان به این حوزه به اشتراک گذارید.

## منابع

- اسلامی شهربابکی، پروین، مینایی، مینا، و ناصرینیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). سیمای تغذیه کودکان زیر ۵ سال استان سیستان و بلوچستان. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۳(۲) (سومین کنگره اپیدمیولوژی)، ۲۵-۲۵.
- بوزرجمهری خدیجه، جهان تیغ حسنعلی، معصومی جشنی مهدی (۱۳۹۷). واکاوی محدودیت‌های بازاریابی محصولات ارگانیک روستایی (مطالعه موردی: روستاهای حاشیه دریاچه هامون، سیستان). برنامه‌ریزی و آمایش فضا؛ ۲۲ (۴): ۸۶-۱۱۲.

- حسین بر، یارمحمد؛ نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نابرابری‌های آموزشی سیستان و بلوچستان در مقایسه با شاخص‌های کشوری و ارائه الگویی برای تحقق عدالت آموزشی با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*. ۱۰(۳): ۴۱۳-۳۸۳.
- حیدرزادگان، علیرضا و صندوقداران، محمد حسین. (۱۳۹۶). فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: (برابر یا نابرابر). *مطالعات برنامه ریزی آموزشی*. ۶(۱۱)، ۱۷۵-۱۵۹.
- خمیری، منصور و معماری، ابراهیم. (۱۳۹۷). پایش سیاست‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی فضا از منظر ژئوپلیتیک ناحیه‌ای در جنوب شرق ایران (مطالعه موردی: سیستان و بلوچستان). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۳)، ۴۱۰-۴۲۳.
- صبحی‌مقدم، مژگان، عباسی، عنایت و بیژنی، سعید. (۱۳۹۶). طراحی الگوی تشکیل یک سازمان مردم‌نهاد محلی: شرایط، تعاملات و پیامدها (مورد مطالعه، روستای کیخا، شهرستان زابل). *پژوهش‌های روستایی*. ۸(۳): ۵۱۷-۵۰۲.
- کوهستانی، کیمیا، عبدلهی، وحیده، خوشنودی فر، زهرا، و شهرکی، بهزاد. (۱۳۹۳). تحلیل مؤلفه‌های تاثیرگذار بر توسعه کشاورزی ارگانیک در استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی. *پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، ۷(۳) (پیاپی ۲۷)، ۴۱-۲۹.
- Aguirre Sánchez, L., Roa-Díaz, Z. M., Gamba, M., Grisotto, G., Moreno Londoño, A. M., Mantilla-Urbe, B. P., ... & Franco, O. H. (2021). What influences the sustainable food consumption behaviours of university students? A systematic review. *International journal of public health*, 66, 1604149.
- Ali, H., Li, M., & Hao, Y. (2021). Purchasing behavior of organic food among Chinese university students. *Sustainability*, 13(10), 5464.
- Hamilton, K., & Hekmat, S. (2018). Organic food and university students: a pilot study. *Nutrition & Food Science*, 48(2), 218-227.
- Najafabadi, M. M., Mirzaei, A., Laskookalayeh, S. S., & Azarm, H. (2022). An investigation of the relationship among economic growth, agricultural expansion and chemical pollution in Iran through decoupling index analysis. *Environmental Science and Pollution Research*, 29(50), 76101-76118.
- Nunez, G. H., Kovalski, A. P., & Darnell, R. L. (2014). Formal Education Can Affect Students' Perception of Organic Produce. *HortTechnology hortte*, 24(1), 64-70.
- Prathansong, N., & Kananurak, N. (2023). Reason (For and against) Consumers Affecting Organic Product Purchase Intention: Bangkok, Thailand. *Journal of Family Business & Management Studies*, 13(1).
- Setiawati, H., Hartoyo, H., & Simanjuntak, M. (2018). Analysis on intention of purchasing organic foods by the undergraduate students of IPB using the theory of planned behavior approach. *Jurnal Manajemen & Agribisnis*, 15(2), 198-198.
- Sobhani, S. M. J., Jamshidi, O., & Norouzi, A. (2018). Students' intention towards organic foods purchase: Application of the extended theory of planned behavior. *Environmental Education and Sustainable Development*, 7(1), 49-62.

Yazdanpanah, M., & Forouzani, M. (2015). Application of the Theory of Planned Behaviour to predict Iranian students' intention to purchase organic food. *Journal of Cleaner Production*, 107, 342-352.

